

تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی

مصطفی ازکیا*، سکینه حسینی رودبارکی**

طرح مسئله: مانند همه جوامع در حال دگرگونی در دهه‌های اخیر، جامعه ایران دچار دگرگونی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... شده است. روستاهای ایران به دلیل برخورداری از دستاوردهای تکنولوژیک دنیای مدرن و به سبب برخورداری از تسهیلات ارتباطی، دوره گذار از سبک زندگی سنتی به سمت سبک زندگی نوین را تجربه می‌کنند. این مطالعه بررسی این گذار از منظر نسلی در جامعه روستایی است.

روش: در این مقاله، بررسی نسلی تغییرات سبک زندگی با استفاده از روش‌های کمی و کیفی مورد کندوکاو و بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق با به کارگیری تکنیک‌های مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه محقق ساخته، اطلاعات گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهند، مؤلفه‌های سبک زندگی در میان نسل سوم متفاوت از نسل‌های اول و دوم ساکن در روستاست. اما این تفاوت بر خلاف جامعه شهری به معنای شکاف نسلی در روستا نیست؛ بلکه نسل‌های اول و دوم به نوعی با نسل سوم در به کارگیری سبک زندگی نوین همراه شده‌اند. و در مواردی خود نیز متأثر از آن شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت متغیر نسل نقش مهمی در تغییرات ایجاد شده در سبک زندگی روستایی دارد.

نتایج: مسیر تغییرات به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی است. بطوری که «ضرورت تزئینی» وسایل زندگی بیش‌تر از «ضرورت کارکردی» آن‌هاست. در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی می‌بایست تغییرات و پیامدهای آن مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: آهنگر محله، تفاوت نسلی، توسعه روستایی، تغییر اجتماعی، سبک

زندگی، جامعه روستایی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۸۸/۷/۲۹

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی توسعه روستایی دانشگاه تهران <hoseini41@yahoo.com>

مقدمه

قرن بیست و یکم به دلیل وقوع تحولات جهان سوم، گسترش وسایل ارتباط جمعی و پیشرفت‌های تکنولوژیک از نظر تحلیل‌گران مسائل اجتماعی، عصر توجه به عوامل و شرایط دگرگونی‌های اجتماعی محسوب می‌شود. تمام جوامع، چه به صورت ناگهانی و چه به صورت آرام و نامحسوس، هر روز تغییراتی را که کم و بیش به گذشته‌اش هماهنگی داشته و طرح و مسیر کم و بیش مشخصی را تعقیب می‌کنند به خود می‌بینند (روشه: ۱۳۷۵: ۴). به همین دلیل بررسی زمان حال [برای یک جامعه در حال گذار] می‌تواند وسیله‌ای برای نظاره آینده باشد. هر جامعه‌ای در حالتی از تلاطم یا دگرگونی به سر می‌برد و آنچه را که در آینده پدید خواهد آمد باید پیوندهایی با زمان حال داشته باشد. این دگرگونی‌ها و تغییرات در یک فرآیند تاریخی رخ می‌دهند و به معنای جریان مداوم یک سری از حوادث، پدیده‌ها و کنش‌هایی هستند که در مجموع به تغییر اجتماعی می‌انجامند. حال این که این عوامل و حوادث چه هستند؟ چگونه شکل می‌گیرند؟ چطور باعث ایجاد تغییر در جامعه می‌شوند؟ و چه تغییراتی را ایجاد می‌کنند؟ و... مجموعه سؤالاتی است که ذهن جامعه‌شناسان را به خود مشغول کرده است.

طرح مسئله

مانند همه جوامع در حال دگرگونی در دهه‌های اخیر، جامعه ایران نیز دچار دگرگونی در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... شده است. بررسی‌های متعددی در خصوص این تحولات در سال‌های اخیر صورت گرفته است: بررسی تغییر ارزش‌های دینی جوانان، تحولات خانواده، شکاف نسلی و... در اغلب این پژوهش‌ها جامعه هدف، جامعه شهری بوده است. در حالی که جامعه روستایی کشور نیز به عنوان جامعه در حال گذار دستخوش این تغییرات و دگرگونی بوده است ولی در تحلیل‌های جامعه‌شناختی مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

مشاهدات مکرر محقق از روستا در سال‌های اخیر، مبین تغییراتی است که در زندگی روستاییان به وجود آمده است. تغییراتی که علاوه بر الگوی مصرف در ساختارهایی چون آداب و رسوم، عقاید و ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها، هنجارپذیری و هنجارسازی و به طور کل سبک زندگی آمده است. الگوی مصرف، وسایل خانگی، تزئینات منزل، خوراک، پوشاک و ... که می‌توان از آن‌ها به عنوان سبک زندگی نام برد، در این سال‌ها به شدت تغییر کرده است. این تغییرات در جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری از شتاب بیشتری برخوردار بوده است. به طوری که می‌توان از آن به عنوان پدیده «شهری شدن روستا» نام برد. بسیاری از روستاها از ظواهر مدرنیته و کاربرد تکنولوژی‌هایی چون برق و وسایل ارتباطی مانند تلویزیون، ماهواره و ... و با از میان برداشته شدن کد مخابراتی بین شهر و روستا، اینترنت، اتومبیل، استفاده از لوازم برقی در منزل و بسیاری از مواهب جدید دیگر بهره‌مند شده‌اند. این بهره‌مندی در واقع به معنای تغییر و دگرگونی در مصرف و الگوی مصرفی روستاهاست. به عبارتی دیگر الگوی مصرفی روستاها یا «سبک زندگی» اجتماعات روستایی، فاقد ویژگی‌های یک جامعه روستایی به معنای گذشته است.

بنابراین، روستاهای ایران به دلیل برخورداری از دستاوردهای تکنولوژیک دنیای مدرن و به سبب برخورداری از تسهیلات ارتباطی، در دوره‌ای از تاریخ تحول فرهنگی-اجتماعی خود قرار گرفته‌اند که حرکتی نسبتاً گسترده را از سبک زندگی سنتی خود به سمت زندگی نوین تجربه می‌کنند. این حرکت و تغییر را می‌توان حاصل عوامل عدیده‌ای دانست که از مهم‌ترین آن‌ها ورود امکانات مدرن، بالا رفتن سطح تحصیلات روستاییان، جایگزینی نسلی، اجرای طرح‌های خدمات رسانی و عمرانی در روستاها و در رأس آن‌ها برخورداری از زیر ساخت‌های ارتباطی هستند (رضوان‌زاده، ۱۳۸۳: ۵).

خسروی در کتاب جامعه‌شناسی روستایی ایران، از اصطلاح «روستازدگی شهرها» برای بیان دگرگونی‌های به وجود آمده در میان روستاییان بهره می‌گیرد. وی معتقد است که، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ شمسی، روستاییان مهاجر در حومه شهرها و حاشیه شهرک‌ها ساکن

شده و به تدریج بر اثر مشاهده ساختمان، اتومبیل، سینما، پوشاک، خوراک و بالاخره شیوه زندگی شهری، خودآگاهی در آنان پدید می‌آید. در نتیجه، می‌توان گفت از اثرات مهم مهاجرت‌های گروهی روستاییان به شهرها، روستازدگی شهرها یا به بیان دیگر، اثر گذاری فرهنگ روستایی در شهرها است. روستازدگی فرآیند متأثر شدن جامعه شهری از فرهنگ دهقانان است (خسروی، ۱۳۸۰: ۸۸). به نظر محقق، در آن دوره زمانی، به دلیل مهاجرت‌های روستاییان به شهرها و مشاهده زندگی شهری در خلیقات روستاییان تغییر ایجاد می‌شد، اما در زمان حاضر دیگر نیازی نیست روستایی به شهر برود تا ظواهر زندگی شهری را ببیند و خلیقات و نفسانیاتش در معرض دگرگونی قرار گیرد. بلکه امروزه روستایی در منزل خود با دیدن مظاهر زندگی شهری و جهانی در رسانه‌های داخلی و جهانی (ماهواره)، به تعبیر خسروی خلیقات و نفسانیاتش در معرض دگرگونی قرار می‌گیرد. ما اکنون شاهد شکل‌گیری پدیده «شهری شدن روستاها» هستیم بعد از آن‌که «روستازدگی شهرها» را سپری کرده‌ایم. تغییرات بسیاری در ابعاد مختلف زندگی روستا به وجود آمده است و این تغییرات را می‌توان در اغلب روستاهای ایران مشاهده کرد. نمی‌توان نگاهی توسعه‌ای به روستا داشت و در عین حال چشم بر روی تحولات در حال وقوع در جامعه روستایی بست. بدون شک این تغییرات پیامدهایی اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی در جامعه روستایی دارند، که بر روند توسعه آن تأثیر می‌گذارند. عدم تمایل جوانان به انجام فعالیت‌های کشاورزی و در نتیجه آن کاهش فعالیت‌های کشاورزی دختران و پسران نسل سوم که موجب شده است تا انجام فعالیت‌های کشاورزی توسط میانسالان و سالخورده‌گان صورت بگیرد، حرکت از جامعه‌ای تولیدی به سمت جامعه‌ای مصرفی، حرکت جوانان روستایی به سمت فردگرایی که می‌توان در نحوه گذران اوقات فراغت آن‌ها مشاهده کرد، بالا رفتن سن ازدواج و... پیامدهای این تغییرات هستند. تحولات ایجاد شده، گرچه ممکن است آن‌گونه نباشند که از نظر آماری بر شاخص‌های سنتی بچربند اما هر یک نشانه‌ای هستند از تغییراتی که در آینده با سرعت و شدت بیش‌تری به وقوع خواهد پیوست. در مقاله حاضر به بررسی نسلی این تغییرات می‌پردازیم.

ادبیات نظری موضوع

سبک زندگی: وقتی دنیای اجتماعی متحول می‌شود، به مفاهیمی نو برای درک کردن آن نیازمندیم. کاربرد مفهوم سبک زندگی مطابق با تحولات فرهنگی و اجتماعی تغییر کرده است. تا پیش از جنگ جهانی دوم مفهوم سبک زندگی چندان اهمیتی نداشت و اصولاً با این نام از آن یاد نمی‌شد. پس از جنگ جهانی دوم با گسترش پایه‌های اجتماعی دولت رفاه و به وجود آوردن امکان عملی تولید و مصرف انبوه کالاها، به ویژه کالاهای فرهنگی سبب گردید که شیوه‌های زندگی تنوع بسیار بالایی بیابند. همچنین رشد اقتصادی، ماشینی شدن کار، افزایش دستمزدها و گسترش وسایل تفریح و فراغت جامعه‌ای را در غرب صنعتی پدید آورد که تمایزات سستی در آن تا اندازه‌ای محو شدند، بدین معنا که هر فرد و گروه اجتماعی تنها می‌توانست از طریق تنوعی که در انتخاب شغل، محل زندگی، آرایش و پوشاک خود، سلیقه‌های هنری و زیبا شناختی‌اش، انتخاب سرگرمی‌ها و نحوه گذران اوقات فراغت و حتی شیوه‌های عملی و اخلاقی و دینی خویش در جامعه پیش می‌گرفت، خود را از دیگران متمایز کند. کلان شهرها باعث گمنامی آدم‌ها در شهر بودند و از همین رو شناخت افراد بر مبنای شاخص‌های منزلتی گذشته ناممکن شد و شواهدی در دست بود که نشان می‌داد دیگر افراد بر مبنای جایگاه خود در نظام تولید نمی‌اندیشد و رفتار نمی‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۲) از این زمان بود که مفهوم سبک زندگی در معنی جدید آن مطرح شد. کسانی که در جوامع مدرن زندگی می‌کنند برای توصیف کنش‌های خود و دیگران از مفهوم سبک زندگی استفاده می‌کنند. سبک‌های زندگی الگوهایی برای کنش هستند که مردم را از هم متمایز می‌کنند، بنابراین سبک‌های زندگی کمک می‌کنند تا آن چه را مردم انجام می‌دهند و چرایی آن را و معنایی را که برای آن‌ها و دیگران دارد درک کنیم (چنی، ۱۳۸۲: ۱۱). تحلیل‌گران نه تنها باید زمینه‌های تغییر رژیم غذایی، عادات اوقات فراغت یا چشم‌داشت‌های مربوط به نقش‌های وابسته به جنس را بدانند، بلکه نیازمند دانستن معنای فرهنگی انواع گوناگون تغییر نیز هستند. سبک‌های زندگی هم صورت‌هایی از هویت جمعی هستند که در طول زمان تحول می‌یابند (همان: ۵۵).

در تئوری‌های جامعه‌شناسی کلاسیک، از این مفهوم عمدتاً برای ایجاد تمایز میان طبقات اجتماعی یا گروه‌های اجتماعی استفاده شده است. دنیای اواسط قرن نوزدهم که مارکس بر تحلیل آن همت گمارده بود آن چنان درگیر فرآیند تولید، و چنان بر حول ارزش‌ها و فرآیندهای مرتبط با آن سامان گرفته بود، که که مفهوم «طبقه اجتماعی» - به عنوان مفهومی که تحلیل جایگاه آدمیان در نظام سرمایه‌داری را ممکن می‌ساخت - در تحلیل مارکسیستی جامعه نوظهور موقعیتی مسلط یافت. حال که به نظر می‌رسد «... مهم‌ترین تحول پدید آمده در قرن اخیر گسترش تاریخی مصرف‌مصرف بوده است» (باکاک، ۱۳۸۱: ۱۲۰)، بنابراین به مفاهیمی جدید برای تحلیل جامعه نیازمندیم. مفهوم یا مفاهیمی که بتوانند تحول پدید آمده را در خود بروز داده و برنامه پژوهشی جدیدی را نیز پیش روی علوم اجتماعی قرار دهند. ظاهراً مفهوم «سبک زندگی» چنین خصایصی را داراست.

در تعریفی ساده و کلی می‌توان سبک زندگی را «شیوه زندگی» یا به نحو دقیق‌تر الگوها و شیوه‌های «زندگی روزمره» تعریف کرد که نه تنها شامل الگوهای فردی مطلوب از زندگی بلکه شامل تمام عادات و روش‌هایی که فرد یا اعضای یک گروه به آن‌ها خو کرده، یا عملاً با آن‌ها سر و کار دارد می‌شود. بنابراین سبک زندگی به خانه و اثاثیه محدود نمی‌شود و تمام چیزها مانند الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف و لباس را در بر می‌گیرد و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان بینی فرد و گروهی که عضو آن است را منعکس می‌کند (Thyre C.Uth ۳: ۹۹۶). سبک زندگی بخشی از زندگی است که عملاً در حال تحقق یافتن است و در بردارنده طیف کامل فعالیت‌هایی است که افراد در زندگی روزمره انجام می‌دهند و همچنین خصایصی نظیر داشتن سبک (تمایز بخش، شکل خاص، کیفیت برجسته، مکان یا شخص خاص) درباره آن‌ها صدق می‌کند. طیف فعالیت‌های افراد در هر عرصه، می‌تواند سازنده سبک زندگی آن‌ها در آن عرصه باشد. به همین دلیل می‌توانیم از سبک زندگی در زمینه مصرف مادی، رفتار بهداشتی، مصرف فرهنگی یا رفتار درون منزل سخن بگوییم (رضوان‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۸).

در این مقاله «سبک زندگی به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که در ظرف زمانی - مکانی موسوم به روزمرگی قرار می‌گیرد: شیوه پوشاکی و آرایشی، شیوه‌های غذایی، شیوه بهداشتی، لهجه، نحوه گذران اوقات فراغت. این مجموعه‌ها را می‌توان سازوکار اصلی تولید و بازتولید نظام‌های اجتماعی تلقی کرد» (Thyre C.Utho: ۱۹۹۶).

این مقاله، در پی «بررسی نسلی تغییرات سبک زندگی در جامعه روستایی» با توجه به تعریف فوق از سبک زندگی می‌باشد. در این تحقیق از مفاهیم تئوری بوردیو و اینگلهارت برای بررسی سبک زندگی استفاده شده است.

بوردیو: روش بوردیو، توجه کردن به زندگی روزمره است اما نه به شیوه‌ای که اتنومتولوژیست‌ها و پدیدارشناسان انجام می‌دهند، بلکه توجه کردن به شرایط مادی و اجتماعی بر ساخته شدن ادراکات و تجربه‌های فردی. و در این میان «اصل ناآگاهی» راهنمای پژوهش وی است. بر اساس این اصل «... پدیده اجتماعی را باید نه در آگاهی و هوشیاری افراد، بلکه در نظام روابط عینی‌ای که در آن قرار گرفته‌اند جستجو کرد» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۶). نظریه بوردیو از لحاظ ابداع انواع مفاهیم برجستگی خاصی دارد. بوردیو با تلفیقی که از نظریات انجام داد شبکه‌ای از مفاهیم اصلی را به کار می‌برد. این مفاهیم شامل سرمایه^۱، زمینه^۲، ذوق^۳ و عملکرد^۴ می‌باشد. بوردیو معتقد است تمایز دوران مدرنیته منجر به شکل‌گیری میدان‌های گوناگونی شده و عمل کنش‌گر در هر میدان، بنا به جایگاه فرد در میدان، سرمایه، تجربیات شخصی در جریان جامعه‌پذیری، دوره زمانی و قدرت میدان در آن دوره شکل می‌گیرد. اگر چه در اکثر مواقع برای توضیح ذوق کنش‌گر ویژگی‌های میدان تعیین کننده هستند اما در صورتی که ویژگی‌های میدان تغییر نکرده باشد باید برای درک دگرگونی فرد به ذوق وی رجوع کرد (دگرگونی نه ناشی از تغییر ساختار مسلط بلکه ناشی

1. capital
2. field
3. tast
4. praxis

از تغییر ذوق فرد است). میدان‌های اجتماعی و کنش‌گران آن‌ها کاملاً معطوف به خود عمل می‌کنند یعنی براساس تلاش برای بهتر کردن جایگاه خود در آن میدان (سپهوند، ۱۳۸۳). بورديو کنش به عنوان مسئله اجتماعی را با توجه به دیالکتیک ذوق و میدان شرح می‌دهد. کنش افراد به عنوان دیالکتیک میان ذوق و میدان بر اساس تلاش برای رسیدن به مرکز میدان (بالاترین موقعیت اجتماعی تعریف شده) انجام می‌شود. درک این مسئله مستلزم شناخت جغرافیای میدان است.

از نظر بورديو، این عملکرد است که ذوق و زمینه را به هم پیوند می‌دهد از یک سو، از طریق عملکرد، ذوق ساخته می‌شود و از سوی دیگر، در نتیجه عملکرد است که زمینه آفریده می‌شود. در حالی که عملکرد گرایش به شکل بخشیدن ذوق دارد، ذوق نیز در جهت این عمل می‌کند که عملکرد را ایجاد کرده و آن را وحدت بخشد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۲۲). بورديو نظریه‌ای منسجم درباره شکل‌گیری سبک‌های زندگی ارائه کرده است. مطابق مدلی که وی ارائه می‌کند شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید ذوق خاص منجر می‌شود. ذوق مولد دو دسته نظام است: نظامی برای طبقه‌بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت‌ها (قریحه‌ها). نتیجه نهایی تعامل دو نظام، سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه‌ای خاص طبقه‌بندی شده و حاصل ادراکات خاصی هستند. سبک زندگی حاصل ترجیحات افراد است که به صورت عمل در آمده و قابل مشاهده هستند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۵).

تئوری‌های نسلی: جامعه‌شناسان بیش از آن که خود را با تعریف نسل مشغول نمایند، به مقوله‌بندی نسلی در واقعیت تجربی و نظری علاقمندند. ترول^۱ در سال ۱۹۷۵ پنج مفهوم متفاوت از نسل ارائه داد که بعدها به چهار مقوله زیر تقلیل داده (یوسفی، ۱۳۸۳ و ارمکی و غفاری ۱۳۸۳).

1. Troll

- ۱- نسل همچون نسبت خویشاوندی که به روابط والدین و فرزندان ارج می‌دهد و بیش تر از سوی انسان شناسان اجتماعی به کار رفته است.
- ۲- نسل همچون همدوره‌ای‌ها که به معنای توالی مردم از طریق حرکت لایه‌های سنی و یا دوره‌ای تاریخی - اجتماعی خاص مربوط شده و جمعیت‌شناسان به این مقوله علاقه ویژه‌ای دارند.
- ۳- نسل همچون مرحله زندگی که به بررسی و تأثیر تحولات اجتماعی-فرهنگی بر نسل‌ها مربوط می‌شود.
- ۴- نسل همچون دوره زندگی که به یک حوزه تاریخی خاص مربوط می‌شود.

جامعه‌شناسان نسل را همچون دوره زندگی تعریف می‌کنند که بیان‌گر جایگاه آن‌ها در تاریخ آن‌هاست. هر نسلی با توجه به موقعیت اجتماعی خویش ممکن است در برابر نسل‌های مقابل خود واکنش نشان دهد و تقابل‌هایی شکل می‌گیرد که جامعه‌شناسان از آن‌ها تحت عناوین مختلف دگرگونی نسلی، تعارض نسلی، شکاف نسلی، گسست نسلی و ... نام می‌برد. با توجه به این موارد هر نسلی دارای تجارب، اخلاقیات و تاریخ خود می‌باشد چیزی که بالس آن را ذهنیت نسلی می‌نامد(بالس، ۱۳۸۰ و آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳).

در این مقاله منظور از نسل، یعنی افراد هم دوره‌ای که در مرحله سنی خاصی از زندگی خود قرار دارند.

یکی از متفکران که در زمان حاضر تحقیقات مفصلی را در این حوزه انجام داده است رونالد اینگلهارت است. او به دنبال این مطلب است که ماهیت دگرگونی‌های فرهنگی و علت‌ها و پیامدهای آن‌ها چه می‌باشد؟ اینگلهارت به عنوان یک جامعه‌شناس برای تبیین تحولات فرهنگی دغدغه‌های جامعه‌شناسانه داشته است و آن‌این‌که دگرگونی‌های اجتماعی را بر اساس کدام یک از رویکردهای معاصر و موجود می‌توان تبیین کرد؟

اینکلهارت کار خودش را با نقد نظریه نوسازی آغاز می‌کند: «دگرگونی‌های اقتصادی فرهنگی و سیاسی هماهنگ با یکدیگر بر اساس الگوهای منسجم پیش می‌روند و جهان را به شیوه‌های قابل پیش بینی دگرگون می‌سازند. این است دعوی اصلی نظریه نوسازی، از کارل مارکس گرفته تا ماکس وبر، تا دانیل بل» (اینکلهارت، ۱۳۸۲: ۱) وقتی نسیم دگرگونی در جامعه‌ای وزیدن می‌گیرد، می‌توان پیش بینی کرد که در دراز مدت احتمالاً چه تغییراتی در سیمای جامعه روی خواهد داد. او معتقد است که هر چند نمی‌توانیم با توجه به شرایط زمانی و مکانی نوع دگرگونی را به دقت پیش‌بینی کنیم. ولی می‌توان یک طرح کلی از بعضی روندهای عمده به دست داد» (همان: ۲).

اینکلهارت دو فرضیه درباره عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در دهه ۶۰ جامعه اروپایی دگرگونی ارزش‌ها و جایگزینی ارزش‌های فرامادی به جای مادی را در میان نسل جوان مطرح می‌کند. وی فرضیه کمپابی را مسلم فرض می‌کند که بنابراین «اولویت فرد بازتاب محیط اقتصادی-اجتماعی اوست» و فرضیه اجتماعی شدن که اصل را بر این قرار می‌دهد که «ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده، منعکس کننده شرایطی است که طی سال‌های قبل از بلوغش فراهم شده است.

این دو فرضیه با هم مجموعه به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. اول، درحالی که فرضیه کمپابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی می‌انجامد، فرضیه اجتماعی شدن مبین این است که نه ارزش‌های فردی و نه ارزش‌های یک جامعه، به طور کلی یک شبه تغییر نمی‌کند. بر عکس دگرگونی ارزش‌ها به تدریج و به طرز نا مرئی رخ می‌دهد. این دگرگونی در مقیاس وسیع زمانی پدید می‌آید که نسل جوان‌تر جایگزین نسل مسن‌تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه می‌شود. دوم، پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی شخص انتظار دارد بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگ‌تر و جوان‌تر تفاوت‌های محسوسی بیابد (اینکلهارت، ۱۳۸۲: ۷۷-۷۶).

نظریه اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزشی پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابه‌جایی بلند مدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرا مادی منجر خواهد شد. این نظریه نه تنها امکان پیش‌بینی جهت دگرگونی در آینده، بلکه دامنه این دگرگونی را که از جایگزینی نسلی انتظار می‌رود، فراهم می‌کند. با التفات به این امر که جایگزینی نسلی تنها درگیر نیست، بلکه مؤلفه‌های مهم در دگرگونی ارزشی به شمار می‌رود (همان: ۶۲)

اینگلهارت معتقد است که «... جهان‌بینی مردم تنها به آن چه بزرگترانشان به آن‌ها می‌آموزند بستگی ندارد، بلکه جهان‌بینی آن‌ها با تجارب کلی زندگی خودشان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسل‌های گذشته متفاوت است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲).

تفاوت‌های دیرپا در یادگیریهای فرهنگی نیز نقش مهمی در نحوه رفتار و تفکر مردم ایفا می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۶). دگرگونی در درجه اول در بین گروه‌های جوان‌تر ظاهر می‌شود تا در بین گروه‌های مسن‌تر، که ضرورتاً به اختلافات بین نسلی می‌انجامد (همان: ۱۷)

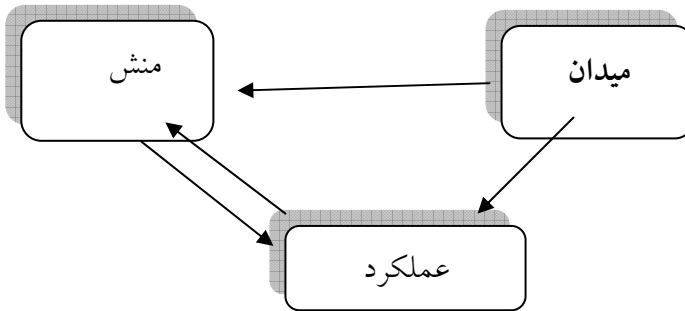
«نسل‌های مختلف در یک جامعه معین دقیقاً در وضعیت مشابهی به سر می‌برند: تنها عاملی که به جز سن در آن‌ها متفاوت است، تأثیر اجتماعی شدن دوران اولیه زندگی آن‌هاست. بنابراین در صورتی که نسل‌های مختلف در یک جامعه واکنش‌های مختلف معنی‌داری نسبت به یک محرک داشته باشند، قویاً دلالت بر وجود تفاوت در یادگیری فرهنگی دارد (همان: ۲۳)

چارچوب نظری

همان‌طور که گفته شد سبک زندگی را می‌توان به مجموعه رفتارهایی اطلاق کرد که در ظرف زمانی - مکانی موسوم به روزمرگی قرار می‌گیرد: شیوه پوشاکی، شیوه‌های تغذیه‌ای،

لهجه، شیوه بهداشتی و اوقات فراغت. همچنین بیان شد که این رفتارهای فرهنگی، عملکردها و سبک‌های متنوع زندگی انسان‌ها تابعی است از ساختارهای زمینه‌ای که انسان‌ها در آن قرار گرفته‌اند و همچنین ساختمان ذهنی که بورديو از آن به عادت واره^۱ یاد می‌کند.

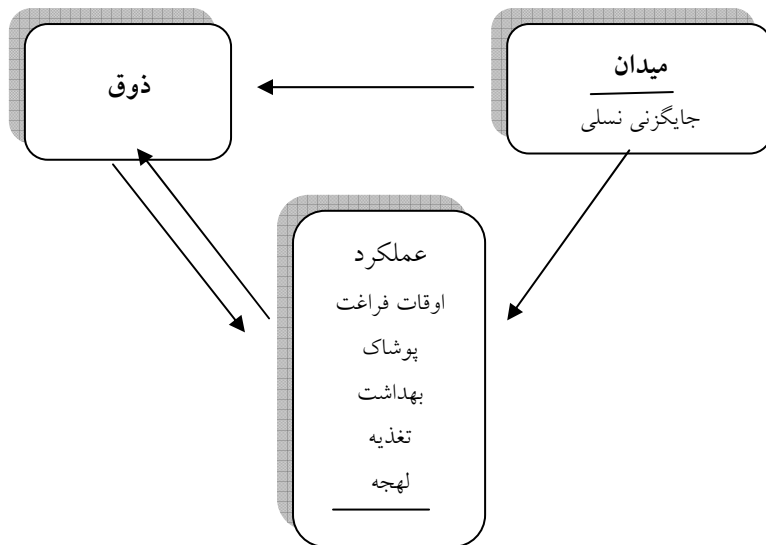
بورديو بر رابطه دیالکتیکی میان زمینه و منش تأکید می‌کند و برای اجتناب از تعارض عینیت‌گرایانه و ذهنیت‌گرایانه، بر عملکرد تأکید می‌کند، که به نظر او، پیامد رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت است (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۱۶)



به اعتقاد بورديو از طریق عملکرد افراد در زمینه، منش با زمینه ارتباط پیدا می‌کند. عملکرد واسطه منش با زمینه است. منش از طریق عملکرد ساخته می‌شود و زمینه در نتیجه عملکرد آفریده می‌شود. در حالیکه عملکرد به شکل بخشیدن منش گرایش دارد، منش نیز عملکرد را ایجاد کرده و آن را وحدت می‌بخشد (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۲۲). منش اصولی را فراهم می‌سازد که آدم‌ها بر پایه آن‌ها گزینش می‌کنند. منش در بیش‌تر فعالیت‌های عملی‌مان، مانند شیوه خوردن، راه رفتن، صحبت کردن، خود را نشان می‌دهد (همان: ۷۲۳)

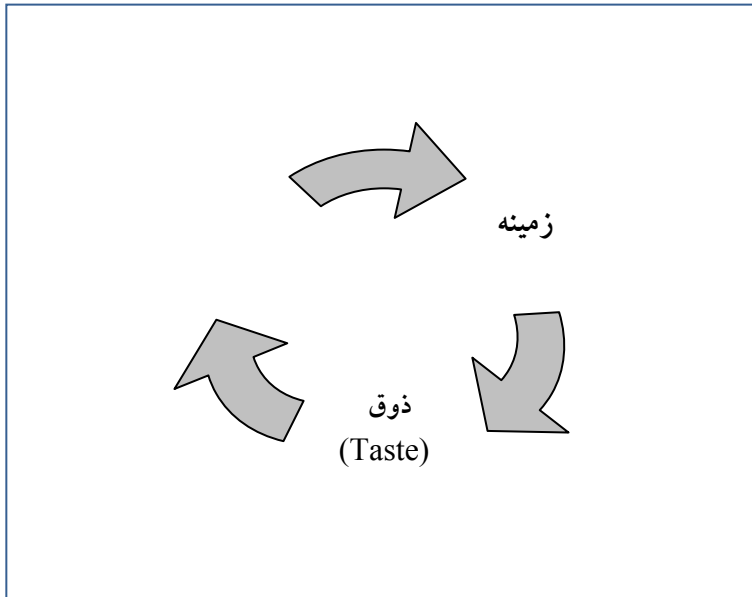
1. Habitus

بر اساس، مدل دیاگرام مطالعه حاضر را بدین صورت می توان ترسیم نمود:



به نظر بوردیو رابطه میان منش و زمینه به دو صورت عمده عمل می کند. از یک سو، زمینه، منش را مشروط می سازد؛ و از سوی دیگر منش، زمینه را به عنوان چیز معنی داری که منطق و ارزش دارد و به سرمایه گذاری انرژی می ارزد، می سازد (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۲۶). در این تحقیق ساختار زمینه، شامل سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و نسل گرفته شده است که در این مقاله به بررسی جایگزینی نسلی و تأثیر آن بر منش و عملکرد روستاییان پرداخته می شود. فرض اصلی این مقاله این است که «سبک زندگی با جایگزینی نسلی روستاییان ارتباط دارد». جایگزینی نسلی یکی از متغیرهایی است که منجر به تغییر زمینه شده است که خود با ذوق و عملکرد در ارتباط است. بدین صورت که تحت تأثیر زمینه های مختلف می توان مسیر زندگی افراد یک جامعه را ترسیم کرد. مفاهیم زمینه، ذوق و عملکرد، از مفاهیم مهم در تئوری بوردیو هستند. به نظر بوردیو با تغییر زمینه، ذوق در

جهت هم‌گامی با آن حرکت می‌کند که هم‌گامی بین ذوق و زمینه در عملکرد بازتاب می‌یابد. در مقاله حاضر، فرض بر آن است که یکی از عوامل تغییر، جایگزینی نسلی است که منجر به تغییراتی در زمینه (روستای آهنگرمحله) شده است. با تغییر در زمینه، ذوق (ساختارهای ذهنی) روستاییان در هم‌نوایی با تغییرات در زمینه، حرکت کرده است. در نتیجه، تغییراتی در ذوق (ساختارهای ذهنی) روستاییان به وجود آمده است که بازتاب آن را می‌توان در عملکرد روستاییان (تغییر در سبک زندگی: تغییر در شیوه پوشاکی، تغییر در شیوه بهداشتی، تغییر عادات غذایی، تغییر در شیوه گفتاری، تغییر در الگوی گذران اوقات فراغت) مشاهده کرد. طبق تئوری بوردیو به خاطر تجارب متفاوتی که نسل‌های مختلف از موقعیت و جایگاه خود بر حسب سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی دارند، با این که همه متعلق به یک میدان می‌باشند، تفاوت بین آن‌ها پیدا می‌شود که نتیجه آن، تغییر میدان اجتماعی است (توکل، ۱۳۸۵: ۱۱۹).



اتخاذ این عملکردها پیامدهایی چون، گسترش مصرف‌گرایی، دگرگونی در عادات و الگوی مصرفی، عدم تمایل به انجام فعالیت‌های کشاورزی جوانان، پدید آمدن مسائل اجتماعی چون: اعتیاد، بیکاری و ...، گسترش خانواده هسته‌ای) را برای جامعه روستایی در بر دارد که خود ممکن است باعث تغییر مجدد زمینه، ذوق و عملکرد شود. بدین ترتیب تغییرات در جامعه تداوم می‌یابد. به همین دلیل مسیر این تغییرات نقش مهمی در بحث‌های توسعه دارد.

روش تحقیق

نوع مطالعه و روش اجرا

گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای ادبیات نظری نسلی و سبک زندگی با استفاده از روش «اسنادی»، مطالعه تاریخچه روستا با استفاده از روش کیفی (ارزیابی مشارکتی روستایی) و برای بخش میدانی از روش «پیمایشی» استفاده شد.

جامعه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد نظر برای این تحقیق کلیه ساکنان روستای آهنگرمحله می‌باشند. که طبق آمار سرشماری سال، ۱۳۸۵، ۱۹۹۷ نفر می‌باشند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با توجه به جمعیت روستا در سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۸۰ نفر تعیین شد. این تعداد پرسشنامه بین سه نسل تقسیم و پاسخ‌گویان به طریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند.

ابزار مطالعه و روش تجزیه و تحلیل

محقق در این پژوهش از رهیافت کمی و کیفی برای دستیابی به اهداف اساسی تحقیق بهره برده است. در تحقیق راجع به «بررسی نسلی تغییرات سبک زندگی در جامعه

روستایی» از برخی تکنیک‌ها و فنون مربوط به روش ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی مانند مصاحبه نیمه سازمان یافته مشاهده - مشارکتی و غیر مشارکتی، رسم نقشه مشارکتی، استفاده از برگه‌های یادداشت روزانه، ترسیم تقویم زمانی وقایع روستا، نیم‌رخ تاریخی، و در روش پیمایشی از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. به منظور تهیه گویه‌ها و شاخص‌های مورد نیاز برای سنجش سبک زندگی در جامعه روستایی، به مصاحبه با نسل‌های مختلف ساکن در روستا پرداخته شد. با تحلیل مصاحبه‌ها و منابع اسنادی موجود متغیرهای لازم برای سنجش سبک زندگی به دست آمد. پیش از آغاز کار پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد پیش‌آزمون قرار گرفت، با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص پرسشنامه موجود برطرف و بدین ترتیب پرسشنامه نهایی تنظیم شد. با تکمیل پرسشنامه و ورود داده‌ها در نرم‌افزار SPSS و تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج به صورت جداول آماری استخراج شد.

یافته‌های تحقیق

در این بخش با تکیه بر یافته‌های تحقیق به بررسی و تحلیل موضوع «تغییرات سبک زندگی» در جامعه روستایی از منظر نسلی پرداخته می‌شود. «به نظر می‌رسد بین سن و تغییرات سبک زندگی ارتباط وجود دارد.» این فرضیه بیان می‌دارد که بین نسل و متغیرهای سبک زندگی شامل، الگوی پوشاک، تغذیه، بهداشت، لهجه و اوقات فراغت ارتباط وجود دارد. برای آزمون این فرض، از آزمون کای اسکوئر و ضریب فی استفاده شده است.

جدول (۱-۴)، رابطه معناداری بین مؤلفه‌های سبک زندگی و نسل

آماره‌های استنباطی				نسل‌ها			متغیرهای سبک زندگی	
sig	Phi	Sig	Chi-Squar	نسل سوم ۱۵-۲۹	نسل دوم ۳۰-۵۵	نسل اول ۵۶-۶۴		
.۰۰۰	۰/۵۷	.۰۰۰	۵۸/۴۵	۳۲/۹۱	۷۷/۲۷	۸۴/۰۹	ستنی	پوشاک
				۷۶/۰۸	۲۲/۷۲	۱۵/۹	مدرن	
.۰۰۰	۰/۳۱۸	.۰۰۰	۱۸/۱۵	۳۴/۷۸	۶۱/۳۶	۷۰/۴۵	ستنی	اوقات فراغت
				۶۵/۲۱	۳۸/۶۳	۲۹/۵۴	مدرن	
۰/۰۰۵	۰/۲۴۲	۰/۰۰۵	۱۰/۵۵	۱۳/۳۳	۱۵/۹	۴۷/۲۲	ستنی	تغذیه
				۳۸/۰۴	۸۴/۰۹	۵۲/۲۷	مدرن	
.۰۰۰	۰/۳۱۲	.۰۰۰	۱۷/۵۱	۲۷/۱۷	۵۶/۸۱	۵۹/۰۹	ستنی	بهداشت
				۷۲/۸۲	۴۳/۱۸	۴۰/۹	مدرن	
.۰۰۰	۰/۶۲۵	.۰۰۰	۷۰/۳۲	۱۹/۵۶	۵۴/۵۴	۹۵/۴۵	ستنی	لهجه
				۸۰/۴۳	۵۴/۵۴	۴/۵۴	مدرن	

تفاوت نسلی در شیوه پوشاکی

برای بررسی رابطه میان متغیر پوشاک به عنوان یکی از متغیرهای سبک زندگی با نسل از آزمون کای اسکوئر و فی استفاده شد. همان‌طور که در جدول (۱-۴)، مشاهده می‌شود کای اسکوئر به دست آمده سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض H_0 یا عدم رابطه بین متغیر پوشاک و نسل ابطال و فرض H_1 به معنای وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود.

تفاوت نسلی در شیوه گذران اوقات فراغت

برای بررسی رابطه میان متغیر الگوی اوقات فراغت به عنوان یکی از متغیرهای سبک زندگی با نسل از آزمون کای اسکوئر و فی استفاده شد. همان‌طور که در جدول (۱-۴) مشاهده می‌شود کای اسکوئر به دست آمده سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین

فرض H_0 به معنای عدم رابطه بین متغیر الگوی اوقات فراغت و نسل ابطال و فرض H_1 به معنای وجود رابطه معنادار تایید می‌شود. به عبارت دیگر الگوهای گذران اوقات فراغت از الگوهای جمع گرایانه به سمت الگوهای فردگرایانه تغییر می‌کند. الگوی فراغتی رسانه‌ای عمده الگوی فراغتی در بین نسل سوم روستا است.

نسل‌های موجود در یک جامعه، طبق تئوری بورديو، ساختمان ذهنی مشابهی ندارند و در نحوه گذران اوقات فراغت نیز تمایزات و تفاوت‌هایی وجود دارد. اکنون «دوفضا» در روستا وجود دارد. دو فضا شدن جامعه روستا بدان معنا است که هم الگوی فراغتی سنتی وجود دارد، مثل گردآمدن روستاییان در میدان ده، و هم الگوهای فراغتی مدرن که جوانان از آن برای گذران اوقات فراغت استفاده می‌کنند. تکنولوژی ارتباطات، دو فضای به هم پیوسته زندگی روزمره را تولید کرده‌اند که «گذران زندگی روزمره» و یا به عبارتی «شیوه‌های زندگی» و یا «راه زندگی» در این دو فضای متمایز و در عین حال به هم چسبیده شکل می‌گیرد (عاملی، ۱۳۸۳: ۹). زندگی روزانه بیش‌تر بر اساس بازی دیالکتیکی امر جهانی و محلی شکل می‌گیرد. مهم‌ترین تجلی این تغییر و رابطه دیالکتیکی، دو فضایی شدن روستا است الگوهای فراغت که شکل گرفته از ترکیبی از زمان و مکان فراغت است با توجه به گروه‌های سنی و اجتماعی مختلف در روستا همواره در حال بازسازی است و روندهای بیرونی بر آن تأثیر می‌گذارد.

تفاوت نسلی در عادات تغذیه‌ای

برای بررسی رابطه میان متغیر عادات تغذیه‌ای به عنوان یکی از متغیرهای سبک زندگی با نسل از آزمون کای اسکوئر و فی استفاده شد. همان‌طور که در جدول (۱-۴) مشاهده می‌شود کای اسکوئر به دست آمده سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض H_0 به معنای عدم رابطه بین متغیر الگوی تغذیه و نسل ابطال و فرض H_1 به معنای وجود رابطه معنادار تایید می‌شود. به عبارت دیگر عادات تغذیه‌ای روستاییان به سمت استفاده از

الگوهای تغذیه شهری (استفاده از غذاهای آماده، تهیه مواد اولیه غذا مثل سبزی و لبنیات از بازار و...) پیش می‌رود. تغییر در الگوهای تغذیه‌ای روستاییان به خصوص نسل سوم و عدم تحرک آن‌ها نسبت به والدین آن‌ها باعث ایجاد پدیده‌ای به نام چاقی مفرط بعضی از نوجوانان شده است. برخی از زنانی که به بیماری قلبی و عروقی دچارند با پیاده‌روی در روستا در پی جبران کم تحرکی خود هستند.

تفاوت نسلی در شیوه بهداشتی

برای بررسی رابطه میان متغیر بهداشت به عنوان یکی از متغیرهای سبک زندگی با نسل از آزمون کای اسکوتر و فی استفاده شد. همان طور که در جدول (۱-۴)، مشاهده می‌شود کای اسکوتر به دست آمده سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض H_0 به معنای عدم رابطه بین متغیر بهداشت و نسل ابطال و فرض H_1 به معنای وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود. به عبارت دیگر با بالا رفتن سن الگوهای بهداشتی نیز تغییر می‌کند که این معناداری، تاییدی است بر مشاهدات و مصاحبه‌های صورت گرفته در مورد شیوه بهداشتی روستاییان. افزایش توجه به بهداشت فردی و جمعی توسط روستاییان نشان دهنده موفقیت برنامه‌های بهداشتی در روستاست.

تفاوت نسلی در شیوه گفتاری

برای بررسی رابطه میان متغیر شیوه گفتاری به عنوان یکی از متغیرهای سبک زندگی با نسل از آزمون کای اسکوتر و ضریب فی استفاده شد. همان طور که در جدول (۱-۴)، مشاهده می‌شود کای اسکوتر به دست آمده سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرض H_0 به معنای عدم رابطه بین متغیر لهجه و نسل ابطال و فرض H_1 به معنای وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود. به عبارتی، گستره واژگانی روستاییان با توجه به سن متفاوت است. با نگاهی به واژه‌های مورد استفاده در روستا می‌توان به پیوستگی شیوه زندگی

اجتماعی و نوع واژه‌هایی که افراد صحبت می‌کنند پی برد. مثلاً واژه‌های «مطبخ» یعنی «آشپزخانه»، «کله» یعنی «اجاق» و یا «سرکو» یعنی «هاون سنگی» و ... دیگر کارکردی در زندگی روزمره روستاییان ندارند. چون در سبک زندگی فعلی روستا دیگر اجاق هیزمی وجود ندارد تا این واژه به کار بیاید و یا با قرار گرفتن آشپزخانه در داخل ساختمان دیگر ضرورتی برای کاربرد واژه مطبخ وجود ندارد. بنابراین شیوه معیشت و سبک زندگی افراد بر گستره واژگانی آن‌ها مؤثر است. واژه‌هایی که در زبان‌ها وجود دارد، نشان دهنده کاربردی است که آن واژه‌ها در زندگی روزمره افراد آن جامعه دارند. حال اگر برخی واژه‌ها کاربرد خود را از دست می‌دهند و یا به ندرت به کار می‌روند به دلیل تغییری است که در شرایط اجتماعی (زمینه) آن به وجود می‌آید. فعالیت‌های روزمره افراد اقتضای واژه‌ها را مشخص می‌کند.

جدول (۲-۴)، رابطه بین نسل و سبک زندگی

نسل سوم (۱۵-۲۹)	نسل دوم (۳۰-۵۵)	نسل اول (۵۶-۶۴)	نسل سبک زندگی
۲۰/۸۳	۳۴/۳۷	۴۴/۷۹	سنتی
۸۵/۷۱	۱۳/۰۹	۱/۱۹	مدرن

sig = ۰/۰۰۰ Chi-Squar=۸۰/۰۳

همان‌طور که جدول (۲-۴) نشان می‌دهد در مجموع بین متغیر سبک زندگی و نسل ارتباطی با سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ وجود دارد فرض H₀ به معنای عدم رابطه بین سبک زندگی و نسل ابطال و فرض H₁ به معنای وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود. بر اساس تئوری اینگلهارت جایگزینی نسلی از مؤلفه‌های مهم در دگرگونی ارزشی به شمار می‌رود و دگرگونی فرهنگی بیش‌تر از طریق جایگزینی یک نسل به جای نسل دیگر

1. Kale
2. Serku

صورت می‌گیرد. داده‌های به دست آمده از جامعه نمونه این نظریه را تصدیق می‌کند که نسل مؤلفه مهمی برای تبیین تغییرات در سبک زندگی روستایی است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش از این خاطر نشان شد، هدف این مقاله بررسی نسلی تغییرات سبک زندگی در جامعه روستایی و به عبارتی مطالعه تغییرات ایجاد شده سبک زندگی بین سه نسل ساکن در روستا بوده است. اطلاعات و تحلیل‌های ارائه شده پیرامون چند محور مهم قابل جمع‌بندی است:

نسل سوم، سبک زندگی متفاوتی نسبت به نسل اول و دوم انتخاب کرده است. شیوه پوشاکی و آرایشی، الگوی گذران اوقات فراغت، شیوه گفتاری، الگوی تغذیه و شیوه بهداشتی در نسل سوم متفاوت از دو نسل دیگر است. بررسی نشان داده است که جوانان روستا متمایل به سبک زندگی مصرفی هستند (خرید گوشی‌های همراه جدید با امکانات متفاوت، خرید وسایل رسانه‌ای جدید و ...). تغییر در عادات تغذیه‌ای، الگوی فراغتی، شیوه پوشاکی و ... بیانگر حرکت به سمت جامعه مصرفی است که از ویژگی‌های مهم مسیر تغییرات در جامعه روستایی است. مصاحبه‌ها، مشاهدات و یادداشتهای میدانی محقق این مسئله را تأیید می‌کند که مسیر تغییرات به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی است. اکنون وسایلی در زندگی روستایی جای گرفته‌اند که گاه بیش از آن که «ضرورت کارکردی» داشته باشد «ضرورت تزئینی» یافته‌اند.

والدین اگر چه خود زندگی سنتی را در پیش گرفته‌اند اما به نوعی فرزندان را در انتخاب سبک زندگی جدید همراهی می‌کنند. بنابراین آن نوع شکاف نسلی که در جامعه شهری از آن صحبت می‌شود در روستا وجود ندارد؛ بلکه می‌توان از تفاوت نسلی در جامعه روستایی صحبت کرد. که طبق تئوری اینگلهارت ناشی از تجربه جامعه‌پذیری متفاوت نسل هاست. بنابراین تفاوت نسلی در جامعه روستایی وجود دارد و آن را به سمت

تغییرات اجتماعی در آینده سوق می‌دهد که در این تغییرات نسل سوم روستا پیشروتر از گروه‌های دیگر هستند. تفاوت نسلی در روستا نه تنها پدیده منفی نیست؛ بلکه می‌تواند پیامدهایی مثبتی را برای جامعه روستایی در پی داشته باشد چون به نوعی نشان دهنده پویایی جامعه روستایی است که می‌توان از این پتانسیل در جهت برنامه ریزی‌های توسعه‌ای استفاده کرد.

ورود خدمات زیر بنایی و عمرانی به روستا، ورود وسایل ارتباط جمعی جدید، ارتباط با شهرنشینان و ... منجر به حرکت جامعه روستایی از سبک زندگی روستایی به سمت سبک زندگی شهری شده است. تغییر در عادات و حرکت به سمت جامعه مصرفی از ویژگی‌های مهم مسیر تغییرات است مسیر تغییرات به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی است. بنابراین هزینه زندگی نیز در سال‌های اخیر افزایش یافته است. بهره‌مندی از امکانات آب، برق، گاز، تلفن و وسایل برقی (تلویزیون و سی‌دی و ماهواره، کامپیوتر، اینترنت، تلفن همراه، دوربین‌های متنوع فیلمبرداری، فر، سشوار و ...) ماهیانه درصدی از درآمد روستاییان را به خود اختصاص می‌دهد. در حالی که در گذشته این مبالغ توسط روستایی هزینه نمی‌شد، زیرا این امکانات، کارکردی در زندگی روستایی نداشتند. همان‌طور که در قسمت قبل آمد، اکنون وسایلی در زندگی روستایی جای گرفته‌اند که گاه بیش از آن که «ضرورت کارکردی» داشته باشند «ضرورت تزئینی» یافته‌اند. هزینه‌های دیگر زندگی نیز مثل تحصیل بچه‌ها، هزینه پوشاکی، فراغتی، تغذیه‌ای و ... را باید به این هزینه‌ها افزود. این در حالی است که با تقسیم شدن متوالی زمین‌های گسترده زراعی بین وراثت از میزان بازده آن نسبت به قبل کاسته شده است و جوانان تمایلی برای انجام کار کشاورزی ندارند، به نظر می‌رسد این موارد پیامدهای تغییر سبک زندگی در جامعه روستایی است. بنابراین توجه به پیامدهای این تغییرات که منجر به تغییر مجدد زمینه (جامعه روستایی) می‌شود از اهمیت زیادی برخوردار است که برنامه ریزان توسعه روستایی می‌بایست این تغییرات و پیامدهای آن را مورد توجه قرار دهند.

از آنجایی که جوانان روستایی (با توجه به استفاده از رسانه‌ها و وسایل جدید زندگی) پیشگامان تغییر هستند و پتانسیل لازم برای پذیرش سبک زندگی جدید را دارند بیش از گروه‌های دیگر، پیامدهای تغییر سبک زندگی در زندگی آنان بازتاب خواهد داشت (گسترش خانواده هسته‌ای، عدم تمایل به کار کشاورزی، تشویق به ادامه تحصیل فرزندان و ...). بنابراین برنامه ریزان توسعه روستایی می‌بایست بیشتر به تغییرات در حال وقوع و پیامدهای این تغییرات (تا بررسی علل مؤثر) در جامعه روستایی توجه کنند.

این بررسی در یکی از روستاهای شمالی ایران صورت گرفته است و نمی‌توان با قطعیت نتایج آن را به کل روستاهای ایران تعمیم داد. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد با انجام بررسی‌های جامعه‌شناختی در مناطق روستایی مختلف کشور و با استفاده از رویکرد روش کیفی^۱ تصویری از آنچه که در جامعه روستایی در حال اتفاق افتادن است به دست آورد. با مطالعه سبک زندگی روستایی و تغییرات در حال وقوع در آن، می‌توان به شناختی از مسائل و نیازهای جامعه روستایی دست یافت. به همین دلیل بررسی زمان حال [برای یک جامعه در حال گذار] می‌تواند وسیله‌ای برای نظاره آینده باشد.

۱- مانند تکنیک‌های روش‌های ارزیابی سریع روستایی و ارزیابی مشارکتی روستایی.

- آزاد ارمکی، غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی، تهران.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، *تحولات فرهنگی در جوامع صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- باکاک، رابرت (۱۳۸۱)، *مصرف*، ترجمه: خسرو صبری، تهران: انتشارات شیراز.
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۰)، *ذهنیت نسلی*، ترجمه: حسین پاینده، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۹، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- توکل، محمد (۱۳۸۵)، *شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو*، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷.
- چنی، دیوید (۱۳۸۲)، *سبک زندگی*، زیر چاپ.
- خسروی، خسرو (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی روستای ایران*، تهران: نشر فرس
- رضوی‌زاده، نورالدین (۱۳۸۳)، *بررسی تأثیر ارتباطات در تمایل به تغییر سبک زندگی در جامعه روستایی*، پایان نامه دکتری علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ریشه، گی (۱۳۷۵)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه: منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
- سپهوند، محمدحسین (۱۳۸۳)، *گزارش تحقیق نظری*، ارائه شده در کلاس نظریه‌های جدید انسان‌شناسی، کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. قابل دسترس در سایت www.fakohi.com. (بازدید: مرداد ۱۳۸۷).
- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۳)، *«تکنولوژی همزمان ارتباطات و دو فضایی شدن فرهنگ»*، فصلنامه جامعه‌شناختی دیدگاه، سال اول، شماره ۱ و ۲، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳)، *نگاهی به پدیده گسست نسلیها*، تهران: ناشر، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، تهران: نشر قم: صبح صادق.
- Thyra C. (1996), "Definition of Life Style and its Application to Travel Behavior", *Department of Marketing at the Aarhus V, Denmark*.